

نگاهی به بینش و منش واعظ شهیر، مرحوم آیت... غلامرضا دهشت

عالم خیراندیش

با آثار و گفتارهایی از

آیت... سید جعفر سیدان

آیت... سید احمد علم الهدی

آیت... مهدی مروارید

آیت... محمد هادی عبدخدایی

آیت... جمال الدین دین پرور

حجت الاسلام والمسلمین محسن قرائتی

حجت الاسلام والمسلمین محمدرضا نوراللیهمان

اکبر صابری فر

مرتضی دهشت



طرح: آنوسا مافی | شهرآرا

۴۲

چهارشنبه



۳۰ ۰۴ ۱۴۰۲

۸ صفحه ویژه آیت... غلامرضا دهشت

۲۰ جولای ۲۰۲۴ | ۱۴ محرم ۱۴۴۴

شماره ۴۴۶۶ روزنامه شهرآرا

شنبه

با دست خالی از دین دفاع می کرد

نکوداشت هایی که برای تجلیل بزرگان در زمان حیات یا پس از فوت آن ها برگزار می شود، کاری قرآنی است و ریشه قرآنی دارد. خداوند در قرآن می فرماید: «وَأَذْكُرُ فِي الْكِتَابِ إِتْرَاهِيمَ» یا می فرماید «وَأَذْكُرُ فِي الْكِتَابِ مَرْيَمَ». این نکوداشت ها امر به معروف به صورت عملی است. ما وقتی به یک فوتبالیست جایزه ای ارزشمند می دهیم، به صورت عملی تبلیغ می کنیم که نسل جوان سراغ این ورزش بروند. در دنیای طلبگی اگر از یک روحانی تجلیل کنیم، طلبه ها را تشویق می کنیم که به سمت این کار بروند.

چندی پیش برای من نکوداشتی برگزار کردند. پرسیدم که انگیزه شما از این کار چه بوده است؟ گفتند برخی طلبه ها فکر می کنند اگر فقیه نشوند، بدبخت خواهند شد و باید مرجع تقلید شوند. ما نیز با این نکوداشت خواستیم از شما تعریف کنیم و به طلبه ها بگوییم اگر کسی فقیه هم نشود، می تواند در تدریس قرآن و حدیث منشأ اثر شود و این نکته را گوشزد می کنیم که اگر یک روحانی مرجع تقلید شد، خیلی ارزشمند است، اما اگر نشد، این گونه نیست که تلاشش بی حاصل باشد. گفتند تجلیل از شما پیام عملی به طلبه ها دارد.

من سال ها پیش از پیروزی انقلاب با حاج آقای دهشت ارتباط داشتم. بیست و چند سال بود که ایشان در جلسه ای نحوه تدریس من را دیدند و به طلبه ها گفتند نزد این شیخ بروید.

یادم می آید سه طلبه که فرزندان شهید آیت... سعیدی بودند، از خیابان رد می شدند. حاج آقای دهشت از سوی دیگر خیابان رو به آن ها کرد و پرسید که این شیخ را می شناسید؟ گفتند نه. گفت این شیخ، آقای قرائتی است و کلاس قرآن دارد، شما و دیگر طلبه ها به کلاس او بروید و از نزدیک نحوه کلاس داری او را ببینید. ایشان این گونه فکر نمی کرد که استاد کفایه و مکاسب هستم و این کار دور از شأن من است که دیگران را به کلاس قرائتی که شاگردم است، فراخوانم. من از نظر علمی شاگرد حاج آقای دهشت بودم، اما ایشان منادی و مبلغ من در خیابان نیز شدند.

خیلی از مدرسان جوان مشهد شاگرد ایشان هستند. ایشان بارهبر معظم انقلاب و آیت... واعظ طوسی هم دوره بود. داماد ایشان شهید شد و پیش از تأسیس سازمان تبلیغات اسلامی و قبل از پیروزی انقلاب، ایشان طلبه ها را به روستاها می فرستاد و بدون هیچ ماشینی و بودجه و امکانات، با دست خالی در راستای تبلیغ دین تلاش می کرد. در تدریس نیز نیازسنج بود. بعضی ها فقط روی یک کتاب تمرکز می کردند و حاضرند بیست مرتبه کفایه و مطول بگویند، اما به سمت تدریس قرآن، نهج البلاغه، تفسیر و اخلاق نروند.

برای حاج آقای دهشت تفاوتی نمی کرد که برای طلبه جوان تدریس کند یا برای طلبه فاضل. بسیار متواضع بود و برای تبلیغ به جاهایی عزیمت می کرد که دیگران معمولاً نمی رفتند. به طور مثال، در ابتدای انقلاب برای تبلیغ به کردستان رفت.

در کارهای خیر، در تأسیس صندوق های قرض الحسنه محوریت داشت. مؤسسات خیریه فراوانی در مشهد است و ایشان جزو هیئت مؤسس و هیئت مدیره بسیاری از این مؤسسات بود. در ساختن حوزه علمیه نیز تلاش می کرد تا در روستاها مشهد نیز حوزه علمیه وجود داشته باشد.

ایشان واعظ بود و با انقلاب همراهی می کرد. بارهبر معظم انقلاب نیز انس فراوانی داشت. حاج آقا به رهبر معظم انقلاب محبت فراوانی داشت و رهبر معظم انقلاب نیز به ایشان لطف زیادی ابراز می کردند. با آنکه استاد مشهد بود، مثل طلبه های دیگر در دهه اول محرم و ماه رمضان برای تبلیغ به تهران می آمد. من گاهی به ایشان می گفتم که شما استاد مطرح حوزه مشهد

هستید، چرا در یک مسجد کوچک برای پنجاه نفر سخنرانی می کنید؟ ایشان می فرمود: «منبر منبر و تبلیغ تبلیغ است.»

یکی از علامت های موفق بودن یک روحانی این است که پسرش طلبه شود یا دخترش را به عقد یک روحانی در آورد. پسران حاج آقای دهشت طلبه شدند و دختران خود را نیز به عقد طلبه در آوردند. یکی از داماد های ایشان شهید شد.

حاج آقا دهشت خیلی مرد می و اهل هجرت بود و همه کمالات را داشت. نکته مهم در شخصیت ایشان این است که وقتی تکلیفی را متوجه می شد، به تکلیفش عمل می کرد و آن را انجام می داد.



شنبه

شماره ۳۰

شماره ۱۴۲۳

شماره ۴۴۴۴

SHAHIRARANEWS.IR

۵۲



شهره

نگاهی به بینش و منش واعظ شهیر
مرحوم آیت... غلامرضا دهشت

عالم خیراندیش





امید حسینی نژاد
روزنامه نگار

آیت... حاج شیخ غلامرضا دهشت، یکم خرداد ۱۳۱۶ در خانواده ای روحانی و مذهبی در منطقه پایین خیابان مشهد مقدس دیده به جهان گشود. پدرش حجت الاسلام والمسلمین شیخ محمد حسین حائری (دهشت) معروف به «روضه خوان اهل تقوا و معنویت»، از وعاظ کربلا و خراسان و از روحانیون بصیر و مبارز بود که در جریان نهضت مسجد گوهرشاد حضور فعالی داشت.

پدر و اجداد ایشان اصالتاً مشهدی بودند، اما شیخ محمد حسین در مجموع حدود چهارده سال در کربلا اقامت داشت. به طوری که دو تن از فرزندان ایشان یعنی محمد علی و مسلم در آنجا متولد شدند. شیخ محمد حسین حائری اهل منبر و روضه خوانی بود و در جریان توپ بندی مسجد گوهرشاد با مرحوم بهلول ارتباط داشت و همراه وی از آن حادثه فرار کرد. او که در اواخر عمر نایبنا شده بود، سرانجام در سال ۱۳۱۶ در حالی که فرزند کوچکش غلامرضا هفت ماهه بود، در مشهد مقدس دار فانی را وداع گفت. شیخ محمد حسین سه فرزند پسر به نام های محمد علی، مسلم و غلامرضا داشت که هر سه همچون پدر در کسوت روحانیت قرار گرفتند.

غلامرضا فرزند کوچک خانواده بود که در اوان کودکی پدر را از دست داد و موفق به زیارتش نشد. او در کنار دو برادر و مادر متدین و مؤمنش که به «والده شیخ» معروف بود، دوران کودکی را سپری کرد.

مادر ایشان اصالتاً بروجردی بود که بعد از وصلت با شیخ محمد حسین حائری خانواده ایشان نیز به مشهد مقدس رهسپار شد. مادرش اهل نماز شب و دعا و مناجات بود و علاقه و انس شدیدی به فرزندان داشت و نسبت به مسائل شرعی و آموزش دینی فرزندان حساس مسئولیت می کرد. در کودکی فرزندش غلامرضا دچار بیماری سختی شد و اوضاع دشوار شد. در این حالت مادرش به امام زمان (عج) متوسل می شود و در حالت مکاشفه حضرت را مشاهده می کند که برای شفای فرزندش به منزل ایشان می آیند.

● فعالیت های علمی

شیخ غلامرضا دهشت دروس مقدماتی قرآن و ادبیات فارسی و خواندن و نوشتن رانزد خانمی معروف به بی بی معلم در مکتب خانه ای که در نزدیکی منزلشان در کوچه تکیه حاجی رجب بود، آموخت. او از معلم دوران کودکی اش همواره یاد می کرد و می گفت: خیلی مؤدب بود و همیشه اگر احساس می کرد خلافی مرتکب شده است. از بچه ها عذر خواهی می کرد.

وی پس از اخذ تصدیق پایه ششم با توجه به علاقه وافر وی که به تحصیل علوم دینی در او ایجاد شده بود، به توصیه و تحت سرپرستی برادرش شیخ مسلم در سال ۱۳۲۶ در ده سالگی وارد سلک روحانیت شد و در مدرسه علمیه دودر و پس از دو سال در مدرسه علمیه نواب مشهد سکنی گزید.

وی در مدرسه نواب با حجت الاسلام شهید دکتر قاسم صادقی و مرحوم حجت الاسلام حاج سید جعفر واعظی هم حجره بود و مباحثه می کرد. او پس از مدتی با رهبر معظم انقلاب حضرت آیت... خامنه ای آشنا شد و از دروس رسائل و مکاسب تادرس خارج را با ایشان و همچنین با مرحوم حجت الاسلام والمسلمین حاج سید جواد بختیاری مباحثه می کرد.

آیت... دهشت دروس ادبیات و بخشی از شرح لمعه رانزد برادرش، مرحوم حاج شیخ مسلم حائری، فرا گرفت و در دروس سطح و سطوح عالیّه فقه و اصول از محضر آیات حاج میرزا احمد مدرس یزدی در شرح لمعه و قوانین، حاج شیخ کاظم دامغانی، حاج میرزا محمد اشکذری و به خصوص حاج شیخ هاشم قزوینی در رسائل مکاسب و کفایه کسب فیض کرد و همراه هم بحثان خود آیات حاج سید جعفر سیدان و حاج سید محمود مجتهدی سیستانی، سالیان متمادی از محضر آیت... حاج شیخ مجتبی قزوینی در فلسفه و دروس معقول و معارف استفاده کرد. وی مدتی نیز از دروس معارف و تفسیر آیت... میرزا جواد آقا تهرانی و آیت... میرزا حسنعلی مروارید تلمذ کرد و به همراه هم بحث و دوست دیرینش، رهبر معظم انقلاب، در درس اخلاق و شرح منظومه آیت... حاج میرزا رانی شرکت کرد و از سال ۱۳۳۲ به درس خارج راه یافت. آیت... دهشت دروس خارج فقه و اصول رانزد آیات عظام حاج سید محمد هادی میلانی و حاج آقا حسن طباطبایی قمی و مدتی نیز از محضر آیت... حاج شیخ هاشم قزوینی فرا گرفت و بر اساس نوعی که داشت، در بیست سالگی به تدریس کفایة الاصول مشغول شد.

● تدریس و شاگردان

ایشان که از اوایل دوران طلبگی تدریس در حوزه را آغاز کرده بود، در طول بیش از نیم قرن همه دروس حوزه و مانند ادبیات، حاشیه ملاحظه... (منطق)، شرح لمعه، معالم، رسائل مکاسب، کفایه شرح منظومه و شرح تجرید را مکرر تدریس و شاگردان برجسته ای تربیت کرد و در کنار دروس رسمی بر اساس مقتضیات زمان سالیان متمادی به تدریس «فلسفتنا اقتصادنا»، شهید صدر و برگزاری جلسات

آموزش، مناظره، تفسیر قرآن، شرح نهج البلاغه، عقاید، اخلاق و معارف در مدارس مختلف حوزه علمیه و دفتر تبلیغات و سازمان تبلیغات اسلامی خراسان اهتمام داشت. وی بر اساس نیاز حوزه و جامعه حرکت می کرد و در شرایطی که احساس نیاز می کرد، برای تبیین مبانی اقتصاد اسلامی، چند دوره کلاس اقتصاد ناآبرگزار می کرد و بعد ها پس از پیروزی انقلاب اسلامی ترجیح داد که بیشتر به تدریس دروس نهج البلاغه و تفسیر قرآن و اخلاق روی بیاورد. با اینکه این استعداد توانایی برای ایشان وجود داشت که به تدریس درس خارج فقه و اصول بپردازد، به وظیفه طلبگی خود عمل می کرد. بر این اساس در برهه ای ارتباطش را با دانش آموزان و دانشجویان بیشتر کرد. محل تدریس دروس حوزه وی ایشان غالباً در مدرسه میرزا جعفر، مدرسه های علمیه نواب و مسجد قبله و گاهی نیز در مسجد گوهرشاد و مدرسه سلیمانیه و پس از پیروزی انقلاب در مدارس علمیه ای مانند مدرسه امام محمد باقر^(ع) و مدرسه علی بن ابیطالب^(ع) بود و همواره جمعی از طلاب جوان و فضلا و روحانیون در درس او شرکت می کردند.

ایشان تدریس نهج البلاغه را از اولین روز های تأسیس مدرسه علمیه امام محمد باقر^(ع) در این مدرسه آغاز کرد و به صورت ترتیبی و موضوعی به شرح و تفسیر خطبه های نهج البلاغه پرداخت. همچنین به تدریس اخلاق و معارف و تفسیر هشت جزء آخر قرآن نیز پرداخت که نوار های صوتی مجموعه درس های ایشان در این مدرسه موجود است. نوشته هایی در زمینه نهج البلاغه و حدیث و اخلاق نیز از ایشان باقی مانده است.

● فعالیت های سیاسی و اجتماعی

آیت... دهشت از دوران جوانی نسبت به فعالیت های سیاسی و اجتماعی بی تفاوت نبود و از اوضاع ایران و جهان اطلاع داشت. وقتی شهید نواب صفوی به مشهد مقدس می آمد و به مدارس علمیه و مهدیه مرحوم عابدزاده رفت و آمد داشت، ایشان از همراهان و ملازمان این شهید بود و خاطراتی از شجاعت و روحیه مبارز شهید نواب نقل می کرد. وی از علاقه استاد خود آیت... حاج شیخ هاشم قزوینی، به مرحوم نواب صفوی نقل می کرد و می گفت من یادم هست شاید در سال ۱۳۳۴ روز به شهادت رسیدن نواب صفوی، استاد اظهار نظر کرد که یک سید بزرگوار را آن هم در این کشور اسلامی تیرباران کردند و هیچ کس نفستش در نیامد. ایشان به مبانی ولایت فقیه ملتزم بود و در دوران نهضت امام خمینی^(ع) همواره همراه دوست دیرین خود رهبر معظم انقلاب بود.

آیت... دهشت در سال ۱۳۴۳ پس از آزادی امام خمینی^(ع) از زندان در سش را تعطیل کرد و همراه برادرش حاج شیخ مسلم حائری همراه با کاروان آیت... حاج شیخ مجتبی قزوینی برای دیدار با امام خمینی^(ع) به قم رفت.

ایشان در همان دوران برای مقابله با محاکمه مرحوم امام از طرف رژیم پهلوی و تثبیت مرجعیت امام به منزل مراجع و علمای وقت مشهد رفت و آمد

داشت تا برای حمایت از امام بیانیه ای صادر شود. وی از طریق رهبر معظم انقلاب برخی کتاب ها و مقالات و اطلاعیه های مرتبط با نهضت مرحوم امام را منتشر می کرد و در این راستا، مجبور بود گاهی کتب و اطلاعیه ها را در منزل خودش دفن کند تا از دست مأموران رژیم پهلوی محفوظ بماند. آیت... دهشت به برکت دوستی و رفاقت قدیمی با رهبر معظم انقلاب در عرصه مبارزه با طاغوت و فعالیت های سیاسی همواره در کنار ایشان بود. این ارتباط به گونه ای بود که تصمیم گیری و جلسات مشورتی در مسائل انقلاب گاهی در منزل ایشان در پایین خیابان مشهد انجام می گرفت و شخصیت هایی مانند رهبر معظم انقلاب و شهید هاشمی نژاد و آیت... واعظ طبسی به منزل ایشان رفت و آمد داشتند.

پس از بازگشت آیت... دهشت از سفر حج، رهبر معظم انقلاب و شهید هاشمی نژاد و آیت... واعظ طبسی به دیدار ایشان آمدند و در این شب که مصادف با چهارم شهادت آقا مصطفی خمینی بود، برای انجام مراسم در مشهد برنامه ریزی شد. ایشان در اعتراض به سیاست های رژیم وقت چندین بار هم گام با مدرسان مشهد درس خود را تعطیل کرد.

● خدمات فرهنگی و تبلیغی

آیت... دهشت «گروه تبلیغی حوزه علمیه خراسان» را در سال ۱۳۴۴ پایه ریزی کرد تا در ایام تبلیغی به خصوص در شب های جمعه در محدوده روستاهای اطراف مشهد مقدس، مبلغان اعزام شوند و ضمن تبلیغ و حضور در جمع مردم، برای ارائه خدمات رفاهی و بهداشتی در روستاها اقدامات لازم صورت گیرد.

این برنامه تبلیغی که از پیش از انقلاب آغاز شده بود، پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز به صورتی گسترده تر آن هم در سطح کل استان خراسان ادامه یافت.

آیت... دهشت پس از پیروزی انقلاب اسلامی در کنار تدریس و تبلیغ در حوزه علمیه، مدیریت مدارس عالی شهید مطهری را در مشهد مقدس بر عهده داشت و از این طریق با جوانان ارتباط برقرار کرد و نقش بسزایی در تربیت طلاب و دانشجویان علوم اسلامی ایفا کرد.

ایشان در تأسیس و راه اندازی امور خیریه و عام المنفعه اهتمام فراوانی داشت و در ایجاد حدود بیست مؤسسه خیریه مانند مؤسسه خیریه بیماران آسیب پذیر توس، انجمن حمایت از معلولان و شورای درمانگاه ها نقش ارزنده ای ایفا کرد.

وی عضو مؤسس و هیئت امنای خیریه هایی مانند انصار المهدی^(ع)، الهادی، ام الائمه و صندوق های امام جواد^(ع)، میناق الحسین^(ع) و مدارس علمیه علی بن ابیطالب^(ع) و نریمانی بود و با بسیاری از هیئات مذهبی مشهد ارتباط داشت.

این عالمریانی در ۲۷ اردیبهشت ۱۳۹۳ پس از سپری کردن یک دوره طولانی بیماری، در هفتاد و هفت سالگی دار فانی را وداع گفت و پیکرش در بهشت ثامن الائمه در صحن آزادی حرم مطهر رضوی آرام گرفت.





همیشه گره گشا بود



آیت... سیدجعفر سیدان تاریخ آشنایی با حضرت حاج آقای دهشت به طور دقیق در خاطر من نیست، اما بدون مبالغه باید گفت که بیش از ۴۵ سال است که با یکدیگر آشنا هستیم و دلیل آشنایی هم این است که هر دو در حوزه علمیه مشهد بودیم و به طبع این آشنایی در برخورد های مختلفی که طلاب و محصلان نسبت به دروس و اساتید و مسائل دیگر داشتند، حاصل شده است. حاج آقای دهشت در ذهنیت بنده از همان ابتدا تا کنون در جهت روش پسندیده حرکت می کرد. از نظر اجتماعی و علمی از معدود کسانی بود که به فضل پروردگار موفق بود و با گذشت زمان مدارج مختلف مفید بودنش را در جهات اجتماعی نشان داد. بنابراین، می توانم عرض کنم که از معدود محصلانی بود که توفیق خدمت در مسائل مختلف اجتماعی حوزوی و علمی برای ایشان فراهم شده بود.

طبیعی است هنگامی که عده ای در مسیر صحیح قرار می گیرند، این گونه نیست که همه آنان توفیقات بالایی داشته باشند. موانع مختلف تلاش افراد را متوقف می سازد یا منصرف می کند و تعداد افرادی که با استقامت مسیر صحیح را طی کنند و به نتیجه مطلوبی نائل آیند و سختی های راه آنان را از حرکت باز ندارد، کم است. ایشان از آن افراد معدود است، بنابراین توانست در ارتباط با مسائل اجتماعی و گرفتاری های مردم، از نظر نیازمندی های مادی و فرهنگی با همکاری در تأسیس و اداره خیریه ها، قدم های برجسته ای را برای تأمین نیازهای مادی افراد نیازمند بردارد. در کنار این موضوع، ایشان اهتمام داشت که تنها جهات مادی و مالی مطرح نباشد، بلکه ابعاد تربیتی و فرهنگی، دینی مذهبی و تربیت صحیح در اهداف خدمت باشد و در این مسیر موفق بود. آن هایی که با خیریه های مشهد آشنا باشند، می دانند

در حوزه های علمیه مشهد و مدارس علوم دینی، علاوه بر اینکه در اداره بسیاری از این ها عضویت داشت، به تدریس فقه، اصول، نهج البلاغه و اخلاق مشغول بود. تأثیر ایشان در حوزه های علمیه هم کاملاً مشهود است. آقای دهشت در فعالیت های حوزوی موفق به استفاده از مدرسان بنام از جمله مرحوم مدرس شد که استاد رسمی قوانین و شرح لمعه بود و از محضر مرحوم آیت... شیخ مجتبی قزوینی و مرحوم آیت... شیخ هاشم قزوینی که در تدریس سطح عالی حوزه فردی استثنایی و بی نظیر بودند، استفاده کرد. ایشان همچنین از محضر میرزا جواد آقا تهرانی که بیشتر در حوزه مسائل کلامی و فلسفی تبحر داشت، استفاده کرد و باز در ارتباط

که ایشان در تأسیس و اداره آن ها نقش مهمی داشت و به جهت جنبه علمی و تقوایی که داشت، بسیار تأثیرگذار بود. همچنین به دلیل این خصوصیات در مسائل فرهنگی هم نقشی قوی داشت و در ارتباط با مدرسه های مختلف مربوط به آموزش و پرورش یا مدارس بین حوزه و بخشی از این مدارس را بر عهده داشت و به خوبی تأثیرگذار بود. حاج آقای دهشت علاوه بر پرورش محصلان ارزنده جوان در کنار جهات فرهنگی به ابعاد دینی هم کاملاً توجه داشت و نتایج علمی و دینی دانش آموزان این مدارس کاملاً مشهود است. ایشان به دلیل پشتکاری که داشت،



با مسائل خارج و پس از سطوح عالی به از مرحوم آیت... میلانی بهره برد. گرچه بنده در این زمینه برخورد چندانی با آقای دهشت نداشتم، حاج آقای دهشت کسی بود که هم در زمینه کارهای خیر مورد نیاز عموم مردم و هم از جهت مدیریت مدارس علمی و دینی برجسته بود و هم در ارتباط با طلاب و محصلان علوم دینی نقش مهمی را ایفا کرد.

با توجه به بهره گیری آقای دهشت از محضر بزرگوارانی که نام برده شد، مثنوی و روش ایشان در مسائل اعتقادی اعتنای هر چه بیشتر به مکتب اهل بیت (ع) بود. متوجه این مسئله بود که بسیاری از آرای بشری با آنچه در وحی آمده است، سازگار نیست. مکرر پیش آمده است که ایشان با بنده تماس گرفته و گفته است که در فلان کتابی که از یکی از افراد چاپ شده، مطلبی گفته شده است که با موازین حدیثی و قرآنی سازگار نیست و آیا شما در جریان هستید می توانید برخورد کنید و تذکر بدهید. یکی از این موارد را که به خوبی به یاد دارم، درباره مسئله جبر و اختیار و همچنین درباره اراده پروردگار بود که یکی از مشاهیر نوشته بود. در نتیجه می توان گفت که روش حاج آقای دهشت از نظر مثنوی علمی در مسائل اعتقادی با اعتنای جدی به مدارک و حیاتی که تعقل صحیح، ما را به آن می رساند، توافق دارد.

ما معتقد هستیم که در وحی یک مورد هم وجود ندارد که با قواعد عقلی در تضاد باشد و مواردی که چنین به نظر برسد، خود وحی آن را توجیه کرده است و ایشان در این زمینه هم کاملاً مسلط بود. ایشان در مسائل اجتماعی و انقلاب و در مسائل مربوط به جبهه های دفاع مقدس مدت ها فعالیت، همراهی و همکاری داشت. در مجموع ایشان از نظر مسائل علمی و اخلاقی، یک شخص جامع الاطراف بود و به پاکی و پاکیزگی زندگی پرداخت.

گفتاری از آیت... حاج شیخ مهدی مروارید درباره استاد خود

در مقام پدری مهربان

منبر می رفت. یک وقتی مرحوم حاج آقای ما از تدین مرحوم حاج شیخ مسلم تعریف می کرد که وقتی دو فرزندش شهید شدند، درباره غسل و خصوصیات دفن و این ها سؤال می کرد که نشان می دهد در دوران مصیبت دقت های شرعی داشته است. حاج آقا خیلی متعجب بود که ایشان با این وضع مصیبت زدگی چقدر به این امور اهتمام دارد.

یک مادری هم داشت که نقل می کرد خیلی به تربیت فرزندانش عنایت داشته و حتی به خانه های افراد می رفته برای تصحیح قرائت نماز فرزندانشان. مادرش به این امور اهمیت می داد و بچه ها و فرزندان و همسایه ها را وادار می کرده است به این امر.

بالاخره مرحوم حاج آقای دهشت حق استادی برگردن ما داشت و وجود این افراد در روحیه طلبه ها خیلی تأثیرگذار است. متأسفانه الان کم شده است که استاد اخلاقی وجود داشته باشد. آقای دهشت از آن افراد بود و فعالیت های اجتماعی ایشان هم نشان دهنده همان احساس و وظیفه بود و می خواست هر کاری را به زمین مانده است انجام دهد و خلأ را پر کند.



درس های اخلاق ایشان در مدارس علمیه مثل امام علی بن ابیطالب (ع) و امام باقر (ع) نیز معروف بود. چون خوش بیان بود. پای بعضی منبرهای ایشان هم که بودم، خسته نمی شدم. مرحوم حاج شیخ مسلم (اخوی ایشان) با مرحوم حاج آقای مایا... حاج میرزا حسن علی مروارید، زیاد ارتباط داشت و حتی یک نماز جماعتی تشکیل می شد در حجره ایشان قبل از اینکه حاج آقای ما مسجد داشته باشد، در مدرسه خیرات خان حجره ای داشت که با مرحوم میرزا جواد آقا تهرانی هم حجره بود و برخی درس های حاج آقا در همان حجره تشکیل می شد. مثل درس تفسیر ایشان. در آن موقعی که من نوجوان بودم، شب ها هم نماز جماعت خصوصی در آنجا برگزار می شد که حاج آقا امام جماعت بود و مرحوم میرزا جواد آقا مقید بود شرکت می کرد و همین آقای حاج شیخ مسلم حائری هم در این نماز شرکت می کرد. مرحوم آقای صدرزاده و عده ای از همین شاگردان خصوصی ایشان هم در نماز شرکت می کردند. حاج شیخ مسلم یک انسان متعبدی بود و به مکتب معارفی خراسان پایبند بود و در این زمینه کار کرده بود و تدریس هایی هم داشت. آدمی نقاد و اهل بحث بود. مدتی هم در منزل والد ما در روضه های ایشان

لمعه تمام شد. من بیع مکاسب را هم پیش آقای دهشت شروع کردم، اما طولی نکشید و ادامه پیدا نکرد. شاید آیت... وحید به مشهد آمده بود که من به درس ایشان رفتم. من وقتی پیش ایشان درس می خواندم، ایشان عمامه سفید نداشت. شال می بست و با پالتو بود. مرحوم دهشت فردی بود که احساس و وظیفه می کرد در جهت تدریس و تبلیغ و بعد با بحث اعزام مبلغ را در مسجد بناها راه انداخت. آدمی بود که انسان احساس می کرد به دنبال وظیفه است. ایشان به کاری که بر زمین مانده بود، در جهت تبلیغی و ارشادی، دغدغه داشت و به آن اهمیت می داد. آقای دهشت یک انسان فاضل و متدین و متعبد بود و مدرسه شهید مطهری مشهد هم زحمتش را قبول کرد، بدون هیچ چشمداشتی. فرزند خودم محمدرضا از فارغ التحصیلان مدرسه شهید مطهری بود که محلش قبلاً حسینیه مرحوم عابدزاده بود. درس های اخلاقی که ایشان آنجا گفت، خیلی تأثیرگذار بود برای بچه ها و گاهی می گفت این مکانی که ما هستیم، مکان متبرکی است و حسینیه است و باید درود یوار آنجا را بوسید. این گونه روحیه معنوی را در آن ها ایجاد می کرد. همراه با اخلاق و جهات تحصیلی حرف های ایشان خیلی تأثیرگذار بود. در ارتباط با آن جوان ها، افرادی که در آن دوره بودند، نوعاً جوان های متدین و متعبدی بار آمدند.

بنده آشنایی ام با مرحوم آقای دهشت برمی گردد به اوایل تحصیل. شاید مطول می خواندم که به مدرسه نواب رفت و آمد داشتیم و با یک آقایی مباحثه می کردم و دنبال استاد بودم که مثلاً بعد از اینکه ادبیات تمام شد، پیش چه کسی لمعه بخوانم. مرحوم آقای دهشت طلبه مدرسه بود و آنجا حجره داشت و با مرحوم شهید دکتر قاسم صادقی هم حجره بود. من هم ایشان را می دیدم و ایشان هم معروف بود به طلبه مستعد و فاضل که اشتغالات تدریسی هم به طور خصوصی داشت و من که اوصاف ایشان را شنیده بودم، مخصوصاً اخوی شان مرحوم آقای حائری را که با ابوی من بیشتر ارتباط داشت و با ایشان آشنا شدم. از ایشان خواهش کردم که برای ما تدریس کند. درس هایی که خدمتشان بودم، یک بخشی از شرح لمعه بود. احتمال می دهم بخشی از مطول را پیش آقای دهشت خوانده باشم. در همان اتاق که خیلی از وقت ها هم من تنهایی پای درس ایشان بودم، این درس را پیش ایشان خواندم. ایشان خوش بیان و مسلط و مشوق طلبه ها بود. مرحوم دهشت درس معارفی را هم که متن آن کتاب میزان المطالب امیرزا جواد آقا تهرانی بود، شروع کرده بود و همچنین جلد دوم آن را که مباحث فلسفی بیشتر در آن مطرح شده است. من در درس ایشان حاضر می شدم. وقتی

گفتاری از آیت... حاج سیداحمد علم الهدی
درباره مشی اخلاقی آیت... دهشت

آینده تمام نه‌های اخلاص

بزرگ‌ترین امتیازی که مرحوم آیت... دهشت در زندگی اش داشت، اخلاصش بود. اخلاص این مرد بزرگوار آن قدر پررنگ و قوی بود که با همه تواضعش در عین حال در نمایه های گوناگون زندگی خودش را نشان می داد. رهبر معظم انقلاب در مقام شهادت به فضیلت عظمت شخصیت این عالم بزرگوار تعبیری دارند که این تعبیر در کنار همه خصوصاتی که فرموده اند، قابل توجه است. ایشان فرمودند: «این روحانی با اخلاص و خدمتگزار». عنوان با اخلاص آن چنان در وجود آیت... دهشت متبلور بود که رهبر معظم انقلاب در کنار علم و تقوی و در کنار هنر آفرینی ها و نقش آفرینی هادر خیرات و میرات، ایشان را با عنوان با اخلاص معرفی می کنند.

ایشان در عرصه زندگی با این همه فعالیت بی هیچ ادعا و توقع بود. این به خاطر همان اخلاص است. ایشان در دوران طلبگی و جوانی با برداش در حوزه بود، در آن موقع که من نوجوان بودم و تازه وارد شده بودم. آیت... دهشت و اخوی بزرگوارشان، مرحوم مغفور آیت... حاج شیخ مسلم حائری، این ها چهره ها و شخصیت هایی بودند که به عنوان اسوه ای مقدس در حوزه شناخته شده بودند. یعنی دوبرادری که در عرصه فعالیت و تحصیل

هر طلبه جوانی که وارد حوزه می شد، استادها این دو چهره را به او نشان می دادند. در عرصه تقوا و بندگی هم هر کس وارد می شد، این دو چهره را نشان می داد. مسئله سازندگی و انسان سازی به عنوان مظهر قرب و کمال عبودیت حق در این مرد بود. با طلبه شاگرد همان طور برخورد می کرد که با هم مباحثه و دوستی بر خورد می کرد و این صمیمیت بیش از آن در تدریس و تعلیم در این طلبه نقش سازندگی داشت. بار گران تبلیغ را از همان اول به دوش گرفته بود، تبلیغی به تعبیر رهبر معظم انقلاب بی هیچ ادعا و توقع، آن هم زمانی که مسئله تبلیغ و منبر برای طلاب و روحانیت و اهل علم یک منبع رزق و روزی بود. ایشان رفتن به منبر به صورت رایگان و تبلیغ رایگان را به عنوان یک اصل سازنده در حوزه علمیه جا انداخت. آن روزی که هیچ تشکیلاتی نبود، آن روزی که هیچ سازمان تبلیغات

و دفتر تبلیغاتی وجود نداشت، یک عده طلبه دور ایشان جمع شدند تا شب های جمعه بروند تبلیغ فقط برای خدا و در راه خدا، آن هم در نقطه هایی که محل رفت و آمد مبلغ نبود.

بار را این طوری با ابتکار به دوش گرفت و از همین جا کار شروع شد و وارد مراحل مختلف سازندگی، آموزشی و تأسیس تشکیلات آموزشی شد. در هر نقطه ای که به کاری دست می زد، موفقیت های فوق العاده ای داشت. تمام جریان های خیریه این شهر در ابعاد مختلف چه در حوزه های تعلیمی و تربیتی، چه در حوزه های امدادی و خدماتی، این عالم بزرگوار را به عنوان یک رهبر به تمام معنا برای خودشان در خیرات و میرات احساس می کردند.

این عالم با عمر پر برکت در حدود هشتاد سال، روز و شبش ثواب و خیرات و برکات و سازندگی و نقش آفرینی بود. این تابلویی است که اگر مقابل چشم ما نصب شود، ما درس زندگی می گیریم. چه موجود گران مایه ای را این حوزه علمیه از دست داد و چه موجود پر ارزش نقش آفرینی را این تربت پاک مقدس امام هشتم^(ع) از دست داد. او از لحظه ای که عمامه گذاشت، وجود خود را وقف امام زمان^(عج) کرد. می توان آیت... دهشت را جزو اعوان و انصار حضرت حجت^(عج) دانست، زیرا عالم، مدرس، مجاهد انقلاب، مبلغ، فداکار و عامل بود.



گفتاری از آیت... سید جمال الدین دین پرور، رئیس بنیاد بین المللی نهج البلاغه

از مکتب تشیع بدون جدال دفاع می کرد

آشنایی ما با آیت... دهشت از طریق برگزاری جلسات ایشان در مشهد و تهران ایجاد شد و ادامه یافت. ایشان نه تنها استاد حوزه علمیه مشهد بود، بلکه یک چهره تبلیغی و علمی محسوب می شد و آشنایی و رفاقت ارزشمندی با رهبر معظم انقلاب داشت.

در برخی مسافرت ها از جمله سفر به کشور سیرالئون و شرکت در سمینار حج با ایشان همراه بودیم. در این سفر که اوایل انقلاب انجام شد، حج اسلام قرائتی، ایروانی و محمدی عراقی نیز حضور داشتند. همچنین در سفرهایی به کشورهای آلمان و سوریه نیز در کنار هم حضور داشتیم که موجب شد از نزدیک با اخلاق و روحیات ایشان آشنا شویم. ساده زیستی، صمیمیت و مهربانی، خدمت رسانی، تبلیغ و ترویج دین و دقت زیاد در مصرف وجوهات و بیت المال از محورهای اخلاقی شخصیت آیت... دهشت است. ایشان سعی می کرد از وجوهات و بیت المال استفاده نکند و این وجوهات را در اختیار دیگران قرار دهد.

ایشان با وجود داشتن جایگاه بسیار والا در حوزه علمیه مشهد و تدریس در سطوح بالای حوزوی، برای خودش هیچ محدودیتی قائل نبود و در جمع شاگردان اهل شوخی و مزاح و صحبت صمیمی بود، به نحوی که شاگردان احساس نکند نمی توانند حرفشان را به ایشان بزنند.

شخصیت علمی بلند مرتبه ایشان منافاتی با ارتباطش با مردم نداشته است. ایشان با دوستان زیادی با سلیقه های مختلف ارتباط داشت و گروه های مختلف از محضرش استفاده علمی و اخلاقی می بردند.

آیت... دهشت هرگز نسبت به مشکلات مردم بی تفاوت نبود و در مشهده یکی از ارکان مؤسسات خیریه بود و با آن ها همکاری فکری و تشکیلاتی داشت. هر مؤسسه خیریه ای که از ایشان کمک می خواست، دریغ نمی کرد. دفتر



ایشان در مسجد بناهای مشهد نیز محل کمک به نیازمندان است. ایشان طلاب را شناسایی می کرد و بر اساس توانمندی هایشان آموزش می داد و برای تبلیغ به مناطق مختلف اعزام می کرد. این اقدام در کنار شناسایی نیازهای مادی مردم مناطق مختلف صورت می گرفت تا نیازهای مادی و معنوی نیازمندان در کنار هم تأمین شود.

این نکته بسیار مهم است که کمک رسانی های مالی و مادی همراه با کمک فکری و تربیتی باشد. اگر شکم افراد سیر شود، اما فکر و اندیشه و اخلاق آنان درست هدایت نشود، یک مبلغ به هدف اصلی اش نمی رسد.

ایشان به عنوان یک روحانی شیعه مرتبط با سایر علمای جهان اسلام حضور ذهن بسیار قوی ای نسبت به مطالب دینی و منابع قرآن، حدیث و تاریخ ائمه^(ع) داشت و این نشان می دهد مطالعاتش در این زمینه ها همراه با یک گزینش جالب و مناسب با زمان بوده است.

در جلساتی که با اهل سنت و اهالی سایر مذاهب اسلامی داشتیم، ایشان با همان اخلاق و صمیمیت به منابع مورد اتفاق اشاره و بایان

دارند نیز ایشان با قاطعیت اما با محبت و ادب رفتار می کرد. ایشان در طول سال ها تلاش این مکتب رفتاری را از بزرگانی چون آیت... مروارید و آیت... شیخ مجتبی قزوینی دریافت و به شاگردان و اطرافیان منتقل می کرد.

کسانی که با ایشان معاشرت داشتند، از معاشرت با ایشان خسته نمی شدند، چون در نشست و برخاست با ایشان، هم مطالب علمی، هم تجربه ها و هم گزارش هایی را که از استادانش داشته است، مطرح و مجلس را گرم می کرد.

مجالس ایشان هرگز خشک نبود که باعث خستگی شود و ایشان حتی در شوخی هایی که مطرح می کرد نیز مطالب آموزنده ارائه می داد. آیت... دهشت با وجود جایگاه علمی و ارزشی والا هرگز تعصب و تأکیدی بر خواسته های خودش نداشت. اگر در جمعی نظر مخالفی داشت، آن را اعلام می کرد و دلیل می آورد که چرا مخالف است، اما در صورت تأیید، تابع جمع بود و سازگاری خوب، نه سازش کاری، از خودش نشان می داد.

دوستانه و علمی و دور از چالش و تنش از مکتب تشیع دفاع می کرد و با توجه به اشاره های ایشان به منابع موثق و مورد تأیید، دفاعیاتش پذیرفته می شد. برخی شخصیت های علمی به مسائل اجتماعی، سیاسی و نظامی بی توجه یا کم توجه هستند، اما ایشان شخصیتی بود که زمان و نیازهای آن را می شناخت و در هر دوره بر اساس نیازها و مقتضیات زمان فعالیت می کرد.

آیت... دهشت این گونه بود که در کنار جنبه های علمی به مسائل اجتماعی و سیاسی زمان نیز توجه داشت و در این زمینه سرمایه گذاری می کرد. در دوران جنگ تحمیلی نیز با گرد هم آوردن ثروتمندان و بازاریان مشهد، به جبهه ها کمک مالی می کرد. همچنین یک مرکز فعال و پرشور اسابی تابلو برای اعزام طلاب به جبهه ها ایجاد کرده بود.

نحوه رفتار و گفتار آیت... دهشت به عنوان یک مکتب مطرح است. در همه موارد حتی یک کلمه حرف سست از زبان ایشان بیرون نیامده است و در مقابل افراد بد رفتار یا افرادی که مطالبات ناپجا





به واسطه فرمایشات اهل بیت (ع) جمع شده اند. خون ۷۲ تن شهید کربلا اثر گذاشته است که بعد از ۱۴۰۰ سال مردم جمع می شوند. ما مدیونیم به مردم و باید محتوای اسلامی تحویلشان دهیم. ما از خودمان نباید بیافیم. هر چه داریم از آن انوار باید بگیریم و استفاده کنیم و به مردم تحویل دهیم.

منبر مرحوم آیت... دهشت آموزنده بود. مطالبی که یک سخنران می گوید، باید جنبه کاربردی داشته باشد. در هر جامعه ای که صحبت می کند، باید به درد آن جامعه بخورد. منبر اگر توأم با این باشد، می تواند عالی ترین نقش را در مستمع داشته باشد.

یک مبلغ در اولین وهله باید خواست خداوند متعال و اولیای او را در نظر بگیرد. البته مطالب را باید طوری بیان کند که مردم بفهمند. مطالب بسیار زیادی هست در رابطه با تبلیغ و ویژگی های یک مبلغ که مرحوم آیت... دهشت دارای ویژگی های فراوانی از این جهت بود. مثلاً مخاطب را باید بشناسد. مسئله مخاطب شناسی خیلی اهمیت دارد که آدم باید ببیند طرف حسابش چه کسی است. باید طوری حرف حق بزند که او بفهمد.

در همین جا بگویم که برخی از مجالسی که ما مشترک شرکت می کردیم، مخصوصاً در دوران جنگ تحمیلی، سخنرانی های ایشان به خوبی مردم را بسیج می کرد برای جبهه و خدمتی که شهدا و جانباز ها انجام می دادند.

ویژگی دیگر ایشان مسئله خدمات اجتماعی بود که ایشان در تأسیس بسیاری از مؤسسات سهیم بود. دلش برای خدمتی که تپید و واقعا دارای هدف بود و طرح هم داشت. یکی ممکن است که هدف داشته باشد، اما طرح نداشته باشد، ولی ایشان طرح داشت. مثلاً در ارتباط با درمانگاه ها و بیماران آسیب پذیر طرح داشت. مسافرت هم که می رفت، تماس می گرفت حتی در بیمارستان که خودش بود، در باره کمک کردن به بیماران با برخی افراد تماس می گرفت که لازم است به بیماران بی بضاعت کمک شود.

بنابراین، ایشان با این احساسی که داشت، توانست منشأ خدمتی در رابطه با درمانگاه ها و مؤسسات خیریه این چنینی شود. یا مثلاً به افرادی که مسکن نداشتند تا آن اندازه ای که می توانست، از آبرویش می گذاشت و کمک می کرد تا افراد بی بضاعت دارای مسکن شوند. برای کمک به خانواده های یتیم و افراد ناتوان، از جهت مالی در ارتباط با صندوق های قرض الحسنه فعال بود. صندوق قرض الحسنه ای که شائبه را در آن نباشد، در آن باز بگری هان باشد و محض رضای خدا باشد.

اصلاً دین می خواهد طرف با اخلاص خودش به کسی که نیازمند است، کمک کند.

گفتاری از آیت... محمد هادی عبد خدایی عضو سابق مجلس خبرگان رهبری

منبری شیرین و با جذبۀ دانشت

آشنایی من با مرحوم آیت... دهشت برمی گردد به سال ۱۳۳۰ خورشیدی که من به درس مرحوم آیت... حاج شیخ هاشم قزوینی می رفتم. در مدرسه علمیه عالی نواب که ایشان سطوح عالی را تدریس می کرد، آیت... دهشت هم حجره ای داشت.

بالای مدرسه حجره کوچکی بود که با مرحوم حجت الاسلام والمسلمین دکتر صادقی با هم زندگی می کردند. ما از یکدیگر شناخت پیدا کردیم و گاهی به حجره ایشان می رفتم مخصوصاً موقعی که حاج شیخ عبدالکریم حامد از تهران به مشهد می آمد. حاج شیخ عبدالکریم حامد یکی از شاگردان مرحوم حاج شیخ رجبعلی خیاط بود. ایشان با مرحوم حجت الاسلام والمسلمین دکتر صادقی مانوس بود و دکتر صادقی خیلی علاقه مند بود به ایشان. زبانی عاشقانه نسبت به خدا داشت و نصایح و پندهای آموزنده داشت و ما هم در آن دوران جوانی لذت می بردیم از نصایح و مطالب ایشان. گاهی به حجره آیت... دهشت می رفتیم و از سخنان ایشان بهره می بردیم. البته بیشتر ارتباط حاج شیخ عبدالکریم حامد با مرحوم دکتر صادقی بود. بعد هم با مرحوم آیت... دهشت دوست شده بودیم. حتی در دو سفر تبلیغی هم در سال های ۱۳۴۳ و ۱۳۴۴ به خرمشهر با هم بودیم. ایشان منبرهایی داشت و من هم مجالسی داشتم و سخنرانی می کردم. حتی یک سال در مدرسه با هم بودیم. آن دوره را به پاکی و تقوی و ارشاد و تبلیغ گذراند و منشأ خدمات بسیار ارزنده ای بود و شد.

ویژگی های مرحوم آیت... دهشت این بود که ایشان استادی بود در حوزه علمیه و ما بعد از انقلاب از ایشان برای تدریس در مدرسه جعفریه دعوت کردیم و از فیوضات ایشان طلاب ما بهره مند می شدند، چه در درس تفسیر و چه اخلاق، ولی بیشتر ویژگی ایشان در جهت تبلیغ بود و در جهات دیگر هم چهره برجسته ای بود. در جهات تبلیغی، هم خودش مبلغ خوبی بود و هم درصد اعزام مبلغ به نقاط مختلف بود به ویژه به روستاهای اطراف خراسان و مشهد. تعدادی از طلاب فاضل هم با ایشان همکاری می کردند که طلابی متدین و فاضل و هدف دار بودند. البته با مرارت ها و سختی ها، چون ایشان دستش از نظر مالی هم آن وقت ها خیلی باز نبود، ولی طلاب عزیز هم برای رضای خدا با ایشان همکاری داشتند. ایشان هم آن ها را سامان دهی می کرد از نظر تبلیغی هم خودش مبلغ برجسته ای بود و ویژگی های زیادی از نظر تبلیغی داشت. یک مبلغ باید ویژگی هایی داشته باشد تا بتواند مفید باشد. در وهله اول باید با تقوا و با خدا باشد، از زبانش تقوا بیارد، در قلب مستمعانش بتواند اثر بگذارد و ایشان با آن بیان گویای خودش بهترین اثر ها را می توانست بگذارد. یک مبلغ باید عالم باشد. در گذشته خیلی ضعف از این جهت زیاد بود، ولی بعد ها به وسیله علمایی ترمیم شد. در گذشته در حوزه های علمیه فقط فضل و علم را عمده در فقه و اصول می دانستند و اگر کسی منبر می رفت و تبلیغ می کرد، این به اصطلاح در رده دوم روحانیت قرار می گرفت، ولی بحمدلله در نهضتی که در این رابطه در روحانیت پدید آمد، حتی عده ای از مراجع دوران جوانی شان را هم توأم با درس و تدریس و وعظ و خطابه و تبلیغ گذراندند. به طوری که همین الان تعدادی از مراجع بسیار برجسته ما خودشان خطبای بسیار ارزشمندی هم هستند. نباید اهمیت تبلیغ را نادیده گرفت، بلکه می توان گفت در برخی موارد از فقه و اصول جلوتر است و فضل یک

مبلغ باید بیشتر باشد.

دیگر اینکه مرحوم آیت... دهشت فردی هدفمند بود. این در یک مسلمان از ضروری ترین چیز هاست. نه عمر خودش را و نه عمر دیگری را به بطالت نمی گذراند. مبلغ باید احساس کند اگر پای منبر من پانصد نفر نشسته اند و من یک ساعت سخنرانی می کنم، یعنی پانصد ساعت در اختیار من است و من باید از این جلسه بهره برداری کنم و افراد را بسازم. گاهی یک منبر تحولی در شنونده ایجاد می کند که برای تمام عمر ساخته می شود. یک مبلغ باید طرح داشته باشد و از جایی مطلب را شروع کند و به جایی ختم کند که طرف در عرض سه ربع تا یک ساعت ساخته شود.

مرحوم آیت... دهشت فردی خوش بیان بود و منبر با جذبۀ ای داشت. شیرین بود. این هم نعمتی است، چون تبلیغ و منبر و سخنرانی، گذشته از علم و تقوا، یک هنر است و اگر توانست به قلب طرف نفوذ کند، می تواند تحول ایجاد کند. اگر وضع صحبتش طوری بود که موجب فرار طرف شد، هیچ وقت نمی تواند تحولی در او ایجاد کند. سخن ایشان دارای محتوا بود. گاهی بعضی های یک ساعت صحبت می کنند. اکثرش به لفاظی می گذرد، ولی بعضی ها سخنشان مخصوصاً اگر طرف عالم باشد، پرمحتواست. آدم که از پای سخنرانی آن ها بلند می شود، چیزی دستش می آید و اطلاعات خوبی به دست می آورد.

سخنران باید بتواند ارتقا بخشد به شنونده. شما نگاه کنید حضرت رسول اکرم (ص)، امیر المؤمنین (ع) و ائمه اطهار (ع)، این ها در اثر یک خطابه یا سخنرانی یا گاهی یک برخورد کوتاه، طرف را برای تمام عمرش می ساختند و منقلب می کردند. در نتیجه آن چنان شیفته می شد که می گفت چه بگویم که مسلمان شوم. مبلغ باید توجه داشته باشد که الگوست و باید بتواند مستمعش را پیش ببرد. در برخی جلسات مرحوم آیت... دهشت که شرکت داشتم، می دیدیم که گاهی ایشان یک روایت را مطرح می کند و چند مرتبه این را تکرار می کند که برای مستمعش جایفتند.

یک مبلغ باید بلندگوی خدا و پیغمبر (ص) باشد. این تریبون که امروز در اختیار یک مبلغ است، مال خودش نیست. مردمی که اینجا جمع شده اند، به واسطه آیات قرآن جمع شده اند،



زی طلبگی را تا آخر عمر حفظ کرد



حجت الاسلام
مرتضی دهشت
فرزند ارشد مرحوم
آیت... دهشت

در باره ویژگی های پدرم این نکته گفتنی است که گاهی نگاه فرزند به پدر است وزمانی نگاه شاگرد به استاد و نگاه به یک سبک و سیره است. مبنای زندگی حاج آقا از ابتدا عشق و علاقه به دین بوده و تجلی این خدمت، تبلیغ و منبر بوده است. معتقدم مبلغ بهترین خروجی دین است، چون دسترسی مردم به حوزه و یک مرجع ممکن است خیلی کم باشد، اما دسترسی آن ها به یک مبلغ خیلی راحت است و در همه مناسبت ها این امکان برای مردم وجود دارد. بنابراین اگر این خروجی برای مردم زیبا تبیین شود، می تواند تأثیر گذاری بیشتری داشته باشد.

پدرم از ابتدا نظرش بر حضور در عرصه تبلیغ بود و به این فضا وارد شد و علاقه زیادی داشت. حتی می گفت زندگی شخصی خود را نیز فدای بحث تبلیغ دین می کنم و واقعا نیز همین گونه بود. در گذشته محدودیت های خاصی برای مبلغان بود. یاد می آید که قبل از انقلاب ابوی وسیله شخصی اش را در اختیار گروه های تبلیغی قرار داده بود. ایشان یک جیب استیشن داشت و آن را در اختیار مبلغان قرار می داد. شب های جمعه برخی طلبه ها را در مشهد و نیز از شهرهایی مثل چناران و اطراف جاده کلات جمع می کرد. حتی در نزدیکی های انقلاب به خاطر دارم، گاردی ها جاده را بسته بودند و وقتی فهمیدند در ماشین طلبه ها نشسته اند، به پدر اعلام کردند اجازه ندادید تبلیغ کنید و باید بازگردید.

در عرصه علمی و در حوزه ادبیات عرب می توانم بگویم ایشان بی نظیر بود. در دوران معاصر گاهی طلبه ها و حتی گاه خود من متنی از متون عربی می خوانیم و ممکن است نتوانیم جمله بندی های آن را دقیق بگویم. حاج آقا وقتی متن عربی را می خواند، بسیار دقیق بود و بارها می گفت آرزویم این است که طلبه ها در مسئله نحوقوی باشند. از همان اول طلبه بسیار موفقی بود. بخشی از درس را در نجف خواند. وقتی به ایران بازگشت، موقعیت خوبی در حوزه داشت و استاد بود. به من می گفت بیست ساله بودم که در مدرسه نواب کفایه می گفتم؛ کفایه یکی از درس های بسیار سخت حوزه است. این نشان می دهد استعداد خوبی داشته و علاقه فراوان به تحصیل داشته است، البته خانواده ایشان خانواده علم دوستی بود. عموی مرحوم من شیخ مسلم از محدثان بزرگ بود.

پدر از دوستان علامه امینی بود و خاطرات زیادی از ایشان داشت. دید ایشان به امام علی (ع) دید خاصی است. در باره همین بحث زود قضاوت کردن همیشه فرمایش حضرت علی (ع) را مبنی بر اینکه بین حق و باطل چهار انگشت فاصله است، یادآوری می کرد.

یکی از مواردی که به طلاب اختصاص یافته شهریه امام زمان (عج) برای نشر معارف است. سال ۱۳۷۳ که پدرم در بیمارستان بستری بود و احتمال فوت ایشان می رفت، وصیت کرد و گفت در تمام مسیر زندگی ام سعی کردم از شهریه امام زمان (عج) استفاده نکنم. اگر شهریه ای به من می دادند، به صندوق منتقل می کردم تا دوباره آن را به طلاب وام بدهند و سعی کردم معاش خودم را از راهی دیگر تأمین کنم تا مدیون امام زمان (عج) نشوم. ما تا سال ۱۳۷۳ این نکته را فهمیدیم. سال ۱۳۶۴ مدرسه شهید مطهری مشهد تأسیس شد. ما نیز ثبت نام کردیم و امتحان ورودی دادیم. روزی حاج آقا پاکتی به ما داد و گفت پاکت را به ناظم مدرسه که آقای عباسعلی زنجانی بود، بدهید. همچنین گفت که این پاکت شهریه شماست. فردی این حرف را می زند که خودش مؤسس و مدیر این مجموعه است. بعد به من گفت شهریه فرزندم را می دهم که فردا حرفی نباشد. اگر روزی در جلسه یا به فردی گفتم چرا شهریه فرزندت را نمی دهی، نگوی خودت چرا شهریه بچه ات را ندادی! باید عامل باشم که حرفم تأثیر گذار باشد.

حاج آقا گفت تا سالی که از مدرسه شهید مطهری فاصله گرفتم، یک ریال حقوق از این مدرسه نگرفتم و در هیچ سندی در این مدرسه ثبت نشده است که من حقوقی گرفته باشم. یعنی ایشان با آنکه خیران شهر را جمع می کرد و کارهای خیر انجام می شد، حاضر نبود از این مدرسه حقوق بگیرد و نگاه خاصی به امور مالی داشت.

در باره زندگی شخصی ایشان باید گفت کسانی که با حاج آقا آشنا هستند، می دانند ایشان فردی بذله گو بود. این موارد

در زندگی تأثیر گذار است. کمتر اتفاق افتاده است کسی در خانه فریاد حاج آقا را شنیده باشد. ایشان اگر خیلی عصبانی می شد، ذکر لاله الا... را می گفت که این امر نشان از صبر، تحمل و اعتقادش داشت.

همچنین پدرم تا هنگامی که نسبت به شخصی یقین پیدا نمی کرد، اجازه قضاوت نمی داد و می گفت که احتمال دیگری نیز در باره آن فرد بدهید. این نوع نگاه یک نگاه زیبا و سیره ارزشمند است. ایشان ساده زیست بود و به پرهیز از اسراف تأکید داشت. هر چهارشنبه شب جلسه ای به صورت دوره ای با حضور بچه های کشیک حرم برگزار می کردیم که ابتدا خود استاد در این جلسات حضور پیدا می کرد و بعد ها به مدت ۱۰ سال بنده می رفتم. ایشان از ابتدا تأکید کرد اگر می خواهید ادامه پیدا کند، مبنای این جلسات بر سادگی باشد. متأسفانه این جلسه ادامه پیدا نکرد، زیرا برخی افراد که وضعیت مالی مطلوبی داشتند، در غذا دادن به شرکت کنندگان اسراف کردند. پدر همیشه تأکید داشت که در جلسات چای یا میوه یا حداکثر یک غذای ساده بدهید.

ایشان جنگ را باور داشت و می گفت که اگر جنگ به شما نیاز دارد، به جبهه ها بروید. البته برخی افراد در مدرسه شهید مطهری ممانعت می کردند و من نیز مانند بسیاری از شاگردان پدر با وجود آنکه سن کمی داشتم، به جبهه رفتم. خاطر هست که در یک دوره به دلیل حضور بچه ها در جبهه ها، کلاس ما از حد نصاب کمتر شد و دوستانی مانند صنوبری و شکری به فیض شهادت رسیدند.

ارتباط حاج آقا با رهبر معظم انقلاب بعد از پیروزی انقلاب ادامه یافت و حتی در سال های قبل از پیروزی انقلاب و آغاز راهپیمایی در مشهد در سال ۱۳۵۶ نیز در کنار یکدیگر بودند. به گفته پدر اولین حرکت ها و راهپیمایی ها از خانه مادر مشهد آغاز شده است. بعد از اینکه حضرت آقا رئیس جمهور شدند، این ارتباط و محبت ادامه داشت تا اینکه ایشان زعامت و رهبری را بر عهده گرفتند. پدر نقل

می کرد که در اولین برخورد پس از انتخاب ایشان به عنوان رهبری، آیه ای از سوره یوسف را برای ایشان می خواند و می گوید وصف حضرت عالی آیه «تالله لقد آترك الله علینا» است و از ابتدا مشخص بود شما با ما فرق دارید و آقا لیخندی می زنند.

در رابطه با حضرت امام (ع) نیز همین نگاه را داشت. در سال ۱۳۶۰ پدر برای اتوبوس رانی مشهد کلاس های عقیدتی، اخلاقی و عملی داشت که من نیز حضور داشتم و راننده ها ارادت خاصی به حاج آقا پیدا کرده بودند.

حاج آقا همیشه ما را به تکریم شهدا توصیه می کرد و گاه در جمع خانوادگی که از شهدا صحبت می کرد، چشمانش پر از اشک می شد و می گفت که این جوان ها برای انقلاب جانشان را فدا کردند و ما چه کرده ایم؟! به اینکه اسم و رسم و کارهایش برجسته شود، علاقه ای نداشت. در همین بحث مبارزات انقلابی ایشان به یاد دارم که در یکی از راهپیمایی های اوایل پیروزی انقلاب در چهارراه لشکر مشهد همراه ابوی حضور داشتم. وقتی تیراندازی شد، ایشان دست بنده را گرفته بود و می دویدیم که یکی از مغازه دارها ما را به داخل برد. آنجا گفت ما که کاری برای انقلاب نکردیم.

ایشان سال هایی که توانایی داشت، تنها به زیارت می رفت؛ ولی آنچه از تشریف ایشان به یاد دارم این است که جمله ای به نقل از امام را نقل می کرد مبنی بر اینکه می خواهم در زیارت نگاه عوامانه باشد. بنابراین معمولاً از پایین پای حضرت تشریف می یافت و اذن دخول می خواند و تا هنگامی که توان داشت، می ایستاد و زیارت های معروف را می خواند. نکته جالب آنکه ایشان در پایان زیارت جایی را که ایستاده بود، می بوسید. یک بار سؤال کردم چرا این کار را می کنید و گفت به احترام بزرگان و اولیا برای زیارت حضرت رضا (ع) می آیند. می بوسم و بر جای پای آن بزرگان بوسه می زنم و می گفت اینجا حضرت ولی عصر (عج) به زیارت امام رضا (ع) می آیند.





دل داده رهبر معظم انقلاب بود



دیگر محلی برای فعالیت گروه‌های منحرف نبود. آقای دهشت می گفت که به من خبر داده اند وقتی یک روحانی از خیابان عبور می کند، اتوبوس‌ها به احترام او می ایستند تا این روحانی از عرض خیابان عبور کند.

یکی از خاطره‌های جالب من مربوط به درخواست حاج آقا از رهبر معظم انقلاب و جمله معظم له درباره ایشان است. در دوره دوم مسئولیت در شهرداری، قرار بود برای ارائه گزارش خدمت رهبر معظم انقلاب برسم. آقای دهشت به من گفت که به ایشان سلام برسان و بگو با کتاب‌هایی که از دوران تحصیل نزد من مانده است، چه کار کنم؟ بعد از اینکه خدمت رهبر معظم انقلاب رسیدم و گزارش کار را ارائه کردم، عرض حاج آقا را خدمت ایشان بیان کردم که معظم له فرمودند به ایشان بگویید اختیار کتاب‌ها دست شماست، هر کار صلاح دانستید انجام دهید. ایشان همچنین فرمودند که وقتی مشهد خدمت آیت‌ا... واعظ طبسی و آقای جنتی، استاندار وقت، رسیدید، از قول من به آقایان بگویید آقای دهشت گوهری گران بهادر مشهد است، از وجود ایشان استفاده کنید.

از آنجا که باید مطالب را درست منتقل می کردم، عین جملات ایشان را نوشتم و بلافاصله بعد از ورود به مشهد خدمت آیت‌ا... واعظ طبسی رسیدم و فرمایش را به ایشان رساندم.

تفلیحوا، شروع کردیم، چرا که واقعا راننده‌ها نسبت به مسائل مذهبی آشنایی نداشتند. بعد از پانزده روز از آن‌ها امتحانی می گرفتیم و به قبول شدن گان گواهی نامه داده می شد و کسانی که تجدید می شدند، در یک دوره پانزده روزه دوباره شرکت می کردند.

روزی راننده‌ها از من درخواست کردند که آن‌ها را به دیدار امام^(ع) ببرم، عجیب بود که این کلاس‌ها تا این حد آن‌ها را متحول کرده بود. این نکته را هم یاد آور شوم که آن زمان منافقین تبلیغات گسترده‌ای می کردند و اتوبوس بهترین مکان برای یارگیری آن‌ها بود. این کلاس‌ها به حدی راننده‌ها را متحول کرد که گفتند اجازه نمی دهیم در اتوبوس‌ها عکسی به جز عکس امام^(ع) نصب شود. با دفتر آیت‌ا... طبسی مکاتبه‌ای صورت گرفت و برای ما دفتر امام^(ع) وقت گرفتند تا در روز مشخصی به دیدار ایشان برویم.

یک روز قبل از روز دیدار با امام^(ع) به تهران رسیدیم. روز بعد خدمت امام^(ع) رفتیم. ایشان آن روز سخنرانی داشتند. این سفر تأثیرات بزرگی بر راننده‌ها داشت.

ظهرها راننده‌ها در نماز جماعت شرکت می کردند و پیشنهاد کردند که جلو اتوبوس‌ها ایشان یک طرف کلمه «فقط»، یک طرف کلمه «خط» و در بالا کلمه «امام» نوشته شود و عکس ایشان نیز جلو اتوبوس‌ها قرار بگیرد. از آن روز به بعد اتوبوس‌ها

بمنده در زمان اولین استاندار بعد از انقلاب اسلامی خراسان، اولین سمعی که در کار اجرایی پذیرفتم، مدیریت شرکت اتوبوس رانی مشهد بود و از ۱۶ تیر ۱۳۵۸ رسماً این مسئولیت را به عهده گرفتم.

بعد از اینکه وارد این تشکیلات شدم، با توجه به سابقه فرهنگی ام و نوع فرهنگ راننده‌های قبل از انقلاب و مطالبات جامعه از یک راننده خدمات شهری، تصمیم گرفتم از میان دانشگاہیان یک هیئت مدیره قوی برای سازمان انتخاب کنم. مرحوم دکتر سعیدی و مرحوم دکتر خواجه‌پور و آقای سید علوی از افراد شاخصی بودند که برای مشاوره در شرکت اتوبوس رانی از آن‌ها استفاده کردم. بعد از اینکه آن‌ها با فضا آشنا شدند، این پیشنهاد را مطرح کردند که باید فعالیت فرهنگی انجام داد، فعالیت‌هایی که بعداً موجب شد افکار و رفتار راننده‌ها ۱۸۰ درجه تغییر کند. بنده در آن جلسه از آقای دهشت نام بردم؛ چون آشنایی من با ایشان از زمانی بود که مرحوم فلسفی از مسجد لرزاده تهران به مسجد شهدای مشهد آمد و نماز ظهر را در آن مسجد می خواند. یک روز از در مسجد که وارد شدم، پله‌های سمت چپ نظر را جلب کرد و از روی کنجکاو پله‌ها را بالا رفتم و به اتاقی رسیدم و مشاهده کردم که این اتاق یک مرکز فرهنگی است که کتابخانه‌ای در آن وجود دارد و عده‌ای از علما در آن مشغول فعالیت هستند. آقای دهشت مدیر این مجموعه بود. البته یادآوری کنم که قبل از انقلاب با ایشان آشنایی داشتم و بعد از انقلاب نیز از محضر حاج آقا استفاده می کردم، در نتیجه می دانستم جایگاه دارند و می توانند در سازمان ما تأثیرگذار باشند.

از ایشان برای شرکت در جلسه هیئت مدیره سازمان دعوت کردم و حاج آقا پیشنهاد داد که برای راننده‌ها کلاس برگزار کنیم. حاج آقا فرهنگی که از دوستان آقای دهشت بود، گفت من زلی دارد که می توان از زیر زمین آن برای تشکیل کلاس‌ها استفاده کرد. ایشان با هزینه خودش این زیرزمین را آماده کرد و دو بیست صدلی در آن قرار داد و آقای دهشت اساتید مورد نیاز را انتخاب کرد. رانندگان شرکت اتوبوس رانی در دو نوبت کار می کردند. قرار شد کسانی که نوبت صبح هستند، عصرها به کلاس بیایند و عصری‌ها، صبح در کلاس حاضر شوند و حضورشان نیز در کلاس به عنوان ساعت کاری محسوب شود. آقای دهشت بدون چشمداشت مادی اعلام کرد تا هر زمان بخواهید من در این کلاس‌ها حاضر می شوم. ما گروه گروه راننده‌ها را به آن کلاس‌ها بردیم و برنامه ریزی‌ها مشخص شد. به یاد دارم کار را برای آن‌ها از قولوا لا اله الا الله



اکبر صادقی فر
شهردار اسبق مشهد

آموزگار عشق و عارف به معرفت

اجتماع عظیمی از علما در خدمت ایشان بود که آیت‌ا... دهشت هر کدام را به نقاط مختلف اعزام می کرد. من گاهی در این تبلیغات حاضر بودم و شاهد آموزش صحیح روحانیون به مردم بودم.

● زندگی بر پایه اخلاص و تواضع

آیت‌ا... دهشت مرد خود ساخته‌ای بود و اخلاص و ویژه‌ای در همه کارهای ایشان هم در خدمات اجتماعی و هم در تعلیم و تعلمشان وجود داشت. هر جامی دید که چراغی به نام دین روشن است، با اخلاص وارد می شد. ایشان متواضع بود و ما امروز هر چه خاطره از ایشان داریم، درباره تواضع وی است. همواره ایشان را می دیدیم که روی بحث اخلاق و روی تربیت روانی طلبه‌ها خیلی تأکید می کرد.

ایشان و شیخ مسلم حائری، برادر مرحوم ایشان که پدر شهید هم بود، از محدثان شهر خراسان بودند. ایشان از شاگردان شیخ مجتبی قزوینی و شیخ هاشم قزوینی هستند. من متأسفم که باید بگویم اشکال بزرگ آیت‌ا... دهشت این است که به هر دلیل اثر مکتوب ندارد. هیچ نوشته مکتوب یا چاپ شده‌ای از ایشان نداریم، ولی آثار غیرمکتوب ایشان به ویژه حافظه بسیاری از متدینان خراسان امروز نشان می دهد که او مرد پشتکار، اخلاق، تواضع و اخلاص بوده است. ایشان زندگی خود را بر پایه اخلاص بنا کرد.

ویژگی‌های دیگر ایشان، توسل به اهل بیت^(ع) بود. من ایشان را به عنوان یک عالم ولایی، آموزگار عشق و عارف به معرفت ائمه^(ع) به ویژه امام حسین^(ع) می شناسم و بسیار به ایشان احترام می گذارم. وقتی به زیارت امام رضا^(ع) می رفتیم، زیارت عارفانه ایشان کاملاً مشهود بود. بخش گسترده‌ای از خدمات ایشان در مساعدت و معاضدت و معاونت در هدایت مردم بود.

که به این لقب مشهور شده بود. ایشان دوره‌ها و درس‌ها در حوزوی را بسیار متبحرانه تدریس می کرد که بسیاری از اساتید سخن، فقاقت و نویسندگان حاصل تربیت آن دوران هستند.

از سوی دیگر ایشان با هر کس که فریاد دین‌خواهی و دین‌داری و دغدغه دین در خراسان داشت، همراه بود. در این زمینه آیت‌ا... عابد زاده بناهایی در خراسان ساخت، ولی آیت‌ا... دهشت با اینکه از نظر علمی بالاتر از ایشان بود، در کارهای ایشان همراه بود و کمک به این عالم دینی غفلت نکرد. همچنین آیت‌ا... امامی کاشانی نیز از کسانی است که آیت‌ا... دهشت سابقه همکاری با ایشان را دارد. در واقع ایشان یک جامعیتی دارد که این نکته باید بیان شود. بنده چند مورد در سفرهای خارج از کشور و حج، ایشان را دیدم. یک روحانی در این سفر معنوی معمولاً برای مردم فقط مناسک حج را می گوید، ولی من شاهد بودم که آیت‌ا... دهشت بسیار مواظب بجا آوردن مناسک و خودسازی حجاج و حتی خودش در انجام مراسم بود. یاد می آید زمانی در اوایل دهه ۵۰ از طرف شهید هاشمی نژاد مأمور شدم بروم کردستان و سفر کنم. در آنجا دیدم که آیت‌ا... دهشت را در کرمانشاه و کردستان می شناسند که این امر باعث شد به ملاقات ایشان بروم و در سردشت با ایشان دیدار کنم.

● منابر تأثیرگذار آیت‌ا... دهشت

جنبه‌های علمی ایشان در منبر نیز بروز پیدا می کرد. منابر تأثیرگذار ایشان در نقاط مختلف مؤید این امر است. ایشان در امر تبلیغ بسیار اهتمام داشت. در همان روزهایی که در کردستان ایشان را دیدم، مبلغان ایشان در نقاط مختلف مشهد و خراسان با کمترین امکانات به تبلیغ دین می پرداختند. ایشان با بازاری‌ها در ارتباط بود و با هماهنگی آن‌ها از خود رو‌هایشان برای اعزام روحانیون مبلغ استفاده می کرد. شب‌های پنجشنبه هر هفته

این جانب آیت‌ا... دهشت را از او آخر دهه ۱۳۴۰ می شناسم، نه تنها بنده بلکه همه کسانی که در آن دوره در خراسان و مشهد به دنبال درس‌های دینی و فقهی بودند، ایشان را می شناسند. در آن زمان ما در حوزه علمیه به دنبال تفحص درس‌های مختلف بودیم که چه درسی را بخوانیم و نزد چه اساتیدی برویم. من و بقیه بدون وقفه و معطلی یکی از نام‌هایی که برایمان تداومی می شد و به آن برمی خوردیم، نام آیت‌ا... دهشت بود که از چهره‌های شناخته شده بین نخبگان و محصلان علوم دینی دهه ۴۰ بود.

● تأثیر استاد دهشت بر دیانت خراسان

با توجه به شناخت پنج ساله که از این شخصیت دارم، نکته برجسته‌ای درباره ایشان وجود دارد که به ویژه برای خراسانی‌ها این نکته واضح است و آن این است که ایشان پنج دهه بر دیانت خراسان تأثیرگذار بوده است. یعنی در عین اینکه ایشان از شهرت و مقام و شناخته شدن گریزان بود، پنج دهه بر دیانت و فرهنگ دینی خراسان در عرصه‌های مختلف تأثیر گذاشته است. راه اندازی صندوق‌های قرض الحسنه رسیدگی به امور و مشکلات مردم از جمله برای بلاهای طبیعی مانند سیل، زلزله و... از اقدامات ایشان در این عرصه بوده است.

در عرصه تعلیم و تعلم به ندرت اساتیدی مانند ایشان هستند که شاگردانی بزرگ در اصول فقه یا بحث‌های کلامی تربیت کرده باشند که اکثر آن‌ها امروز در حوزه‌های معتبر شیعه درس بگویند. همین اهتمام ایشان به دروس حوزوی و تربیت شاگرد بود که در او آورده ۴۰ ایشان را «هنگ خراسان» می نامیدند. یعنی آیت‌ا... دهشت چنان به مسائل علمی وارد می شد و تبحر داشت



حجت الاسلام
والمسلمین
محمد رضا
نوراللهیان